



## بیانات معظم له در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای کانونها، هیأت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی - 15 آبان / 1382

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کاش وقت بیش از این بود و من می توانستم به بیانات جوانان عزیز دیگری که مایل بودند صحبت کنند، گوش دهم. اولاً به این دلیل که آنچه شما گفتید - جز برخی از موارد جزئی - حرفهای دل من و مورد قبول من بود، که احتمالاً اگر افراد دیگری هم صحبت می کردند، همان مطالبی را می گفتند که در ذهن من به عنوان مقاصد و مطلوبهای شایسته نظام و بخصوص مجموعه دانشجویی مطرح است. ثانیاً به این دلیل که اصلاً این جلسه برای این نیست که من صحبت کنم - من که صحبت می کنم؛ هم با دانشجویان جلسات زیادی دارم که خبرهایش را شما می شنوید؛ هم با عموم مردم صحبت می کنم - بلکه بیشتر برای این است که فضا، فضای گفتگو باشد و دانشجو این اعتماد به نفس را در خود حس کند که می تواند درباره مسائل کلان کشور یا لاقلاً در مورد مسائل کلان بخش دانشجویی اظهار نظر کند. امروز کشور به این موضوع - اعتماد به نفس - احتیاج دارد.

بعضی از شما جوانان عزیز گفتید که چه کارهایی عملی شده است؟ سؤال خوبی است؛ باید هم دنبال پاسخ گشت؛ اما همین که شما مطرح می کنید، یقیناً موجب می شود که بعضیها به فکر بیفتند و پاسخ این سؤال را چه در زمینه عدالتخواهی، چه در زمینه علم و چه در زمینه های دیگر پیدا کنند.

من می خواهم این را بگویم: نفس این که شما می آید این جا و این فکر را در فضای کشور و جامعه پرتاب می کنید - که منعکس هم خواهد شد - مهمترین مسأله است و مطلبی است که ما به آن احتیاج داریم. ما می خواهیم جوان ما احساس کند که باید فکر کند و باید این فکر را مطرح و آن را مطالبه نماید. نمی خواهیم کار نمایشی کنیم و نیازی هم به کار نمایشی نداریم؛ اما به این که جوان ما - بخصوص مجموعه دانشجویی که در سطح کشور بسیار گسترده و وسیع است - این احساس را در خودش تقویت کند که در آینده کشور نقش و مسؤولیت دارد و باید تعهدی در این زمینه در خود احساس و برای آن تلاش کند، نیاز داریم.

من همین جا یک نکته اساسی را - که در نظرم بود اگر فرصتی شد به شما بگویم - مطرح می کنم و آن، این است که ما از جوانان عزیزمان - چه دختران و چه پسران - توقع داریم که در مورد مسائل اساسی کشور، جدی باشند و جدی برخورد کنند. پیشنهاد می کنم روی این مسأله «جدی بودن» فکر کنید، بعد خواهید دید خیلی از کارهایی که در گوشه و کنار انجام می گیرد، ناشی از جدی نبودن است.

در دعای کمیل می خوانیم: «قَوِّ عَلٰی خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي و اَشْدِدْ عَلٰی الْعَزِيْمَةِ جَوَانِحِي و هَبْ لِي الْجِدَّ فِيْ خَشِيَّتِكَ». خیال نکنید این دعاها فقط تضرع و انابه است. البته تضرع و انابه خیلی ارزش دارد؛ اما در لابه لای این {P}. مفاتیح الجنان: دعای کمیل. {P}

حالت تضرع و انابه، معرفتهای لازم برای زندگی گنجانده شده است. این دعاها چشمه معارف اسلامی است. «قَوِّ عَلٰی خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي»؛ مرا بر انجام این خدماتی که بر عهده ام است، از لحاظ جسمانی توانا کن. «و اَشْدِدْ عَلٰی الْعَزِيْمَةِ جَوَانِحِي»؛ اراده و عزم مرا مستحکم کن. «و هَبْ لِي الْجِدَّ فِيْ خَشِيَّتِكَ»؛ به من حالت جد بده؛ سرسری نگرفتن؛ بازیچه نینگاشتن.

مسأله عدالتخواهی را که من با شما و جوانان مطرح می کنم، به معنای این نیست که با غیر جوانان مطرح نکرده ام. قبل از این نامه ای که یکی از دوستان مطرح کردند که دو سه سال پیش به یک تشکل دانشجویی نوشتم، مسأله عدالتخواهی را دهها بار با مسؤولانی که وظیفه اجرایی دارند، مطرح کرده ام و این طور هم نبوده که هیچ عمل نشود



و پیش نرود؛ چرا، کارهایی هم شده و پیش هم رفته است؛ اما همه این حرکتها برای ماندگاری و عمق یابی، پشتوانه می خواهد، که آن پشتوانه مطالبه و خواست، شما هستید. منظور از خواست و مطالبه هم این نیست که انسان مشتتش را گره کند و مسأله ای را بخواهد؛ نه، بلکه بدانید که این مطالبه و خواسته لازم است و باور کنید که این نیازی قطعی و حیاتی برای کشور و جامعه است. نفس این که شما این موضوع را باور کنید، مهمترین مطالبه است و اثر خود را در حرف، کار، تعامل، جبهه گیری سیاسی و حرکت دینی و مردمی شما می گذارد.

بنده وقتی جنبش نرم افزاری یا تولید علم را - که معنایش خارج شدن علم از حالت تقلیدی و ترجمه ای است - مطرح کردم، مسأله به این صورت زنده نبود. الان هر جا که به محیطهای دانشجویی و دانشگاهی می روم، می بینم استاد، دانشجو، محقق و پژوهشگر از جنبش نرم افزاری حرف می زند. این خوب است. وقتی در یک مجموعه باور به وجود آمد، این باور پشتوانه حرکت ماندگار و پایدار خواهد بود. ما این را می خواهیم. من می گویم در این قضیه شما باید جدی باشید؛ نباید مسائل کشور و آینده را به بازیچه گرفت.

شما جماعتی که این جا تشریف دارید - از پسران و دختران دانشجو که فرزندان عزیز من هستید - همه تان از دانشجویان متدین و معتقد به مبانی دینی و معارف اسلامی هستید، که بدنه دانشجویی هم به طور غالب انسانهای معتقدی هستند؛ اما من می خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه دانشجویی کشور، مجموعه ای متعهد و دارای احساس مسؤولیت نسبت به آرمانهای دانشجویی باشند. یکی از این آرمانها مسأله علم است؛ دومی عدالتخواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادیخواهی است.

آزادیخواهی نباید فقط منحصر در معنای محدود سیاسی تلقی و معنا شود. در آزادیهای سیاسی، آزادیهای اجتماعی از بخشهای مهم آزادیهای بشری است. ما خودمان کتک خورده و زندان رفته این آزادیها هستیم و معنی آزادی سیاسی را می فهمیم؛ اما می گوئیم کسانی که با شعار آزادی سیاسی، دنبال تحقق شعارهای ضدآزادی ترین مجموعه های سیاسی دنیا - هیأت حاکمه امریکا؛ فاشیستهای ظاهراً دمکرات موجود در دنیا که از هر فاشیستی، فاشیستترند مجموعه ای متعصب و نو محافظه کار که تازه وارد میدان سیاست شده اند - درباره ایران هستند، اینها آزادیخواهند؟ این، آزادیخواهی و دنبال آزادی سیاسی رفتن است؟ آن شعار آزادیخواهی که معنا و مآل و خلاصه اش این باشد که امریکا حکومت دست نشانده خودش را بر این کشور مسلط کند، آن شعار آزادیخواهی نیست؛ ولو صد بزرگ و رنگ و روغن آزادیخواهی هم به آن بزنند؛ این شعار، دروغین و شعار اسارت و خیانت است. با منطقی که من می گویم، آزاداندیشی را عمیقتر معنا کنیم تا این جا هم اثر خودش را بیخشد. آزاداندیشی یعنی آزادانه فکر کردن؛ آزادانه تصمیم گرفتن؛ ترجمه ای، تقلیدی و بر اثر تلقین دنبال بلندگوهای تبلیغاتی غرب حرکت نکردن. لذا شامل علم، معرفت، مشی سیاسی، شعارها و واژه ها و خواسته های متعارف سیاسی و اجتماعی هم می شود. اگر امروز غرب می گوید دمکراسی، ما باید فکر کنیم - آزادفکری یعنی این - ببینیم آیا همین که او می گوید درست است و دمکراسی به صورت مطلق ارزش است، یا نه قابل خدشه است؟

یکی از دانشجویان عزیز مطرح کردند که «شما می گوئید دانشجویان مصلحت اندیش نباشند. حالا ما آرمانگرا، پس چرا گاهی اوقات بعضی از دستگاههای اجرایی مصلحت اندیشی می کنند؛ این دو چگونه قابل جمع هستند؟» من این نکته را بگویم که مصلحت اندیشی بد، منفی و ضدارزش نیست. مصلحت اندیشی یعنی دنبال مسأله ای که مصلحت است، رفتن. این که موضوع بدی نیست. این را بدانید که دستگاه اجرایی کشور در تعامل بسیار دشوار خود در دنیا، بر سر دوراهیایی قرار می گیرد که مجبور می شود مصالحی را در نظر بگیرد؛ چون اداره کشور و کار اجرایی، کار خیلی سختی است. مثال آن، این است که وقتی کسی از پای تلویزیون کوهنوردی را می بیند که با زحمت و قدم به قدم جلو می رود، با خودش می گوید: یک ذره زودتر و تندتر قدم بردار تبیل! او پای تلویزیون نشسته، در آن ارتفاع چند هزار متری و در آن وضعیت قرار ندارد که ببیند این کار چقدر عملی است. همین مثال بر کسی که مسابقه



کشتی یا فوتبال را از تلویزیون می بیند، صدق می کند. حتماً دیده اید که گاهی اوقات بعضی از تماشاگران فوتبال، دائم به بازیکنها و تیمهای مورد علاقه خود دستور می دهند: تنبل بزن! شوت کن! به هر حال، کار اداره کشور کار سختی است و البته مصلحت، هیچ اشکالی هم ندارد؛ ما به آنها ایراد نمی گیریم. البته حواسمان هم جمع است که آنها همیشه غرق در مصلحت نشوند و بنده با توجه به مسؤولیتم به این موضوع توجه می کنم.

اگر شما جوانان نگاه به قله های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمانگرایی شما؛ و چالش مسؤولان با مصلحتها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت گرایی رفتید و گرایش مصلحت اندیشانه - یعنی صددرصد با واقعیتها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن وقت همه چیز به هم می ریزد و بعضی آرمانها از ریشه قطع و گم خواهد شد. دانشجویان نباید آرمان گرایی را رها کنند. توقع من از شما عزیزان این است که پایه های معرفتی خودتان را در همه زمینه ها عمیق و مستحکم کنید. یکی از کارهای بسیار مهمی که مورد اشاره بعضی از دوستان هم بود، این است که شما می توانید در سه زمینه علم، عدالتخواهی و آزاداندیشی کار تئوریک کنید. این کار تئوریک را می توانید در زمینه جنبش تولید علم یا در زمینه عدالتخواهی انجام دهید. مثلاً در زمینه عدالتخواهی، می توانید قانون اساسی را مطالعه کنید و ببینید اگر ما بخواهیم عدالت اجتماعی را با همان مفهوم متعارفی که همه می فهمیم، تحقق ببخشیم، باید از کدام دستگاهها چه توقعهایی داشته باشیم.

آنچه من نسبت به دانشگاهها اعتقاد دارم، این است که دانشگاههای ما از لحاظ بدنه دانشجویی و استادی خیلی خوبند. نه این که انسان ناباب و ناجور در دانشگاهها نیست؛ کجا هست که انسان ناباب و ناجور و بد نباشد، بلکه می خواهم بگویم اغلب بدنه استادان و دانشجویان به طور طبیعی و فطری خوب، مؤمن و پاکند. بنابراین، باید این جنبه های مثبت را تقویت کرد.

اعتقاد دیگر من درباره وجود استعدادها بسیار خوب در دانشگاههاست. من چند روز قبل در همین جا و در جمع مسؤولان گفتم گزارشهایی که انسانهای وارد از وضع دانشگاهها برای من آورده اند، گزارشهای بسیار خوبی است. نه این که کمبودها و نقصها نادیده گرفته شده باشد؛ نه، بلکه غالب آنها را می دانیم و تلاش هم می شود که ان شاءالله برطرف گردد؛ لکن مجموعاً حرکت دانشجویی خوب است و ظرفیت علمی و تحصیلی کشور در بیست سال اخیر ده برابر شده، در حالی که متوسط رشد آن در دنیا در چهل سال اخیر شش برابر بوده است. بنابراین، حرکت ما حرکت خوبی بوده است. منتها دشمنان می خواهند این حرکت و این کاروان را بمباران و نابود کنند؛ حواستان جمع باشد، نگذارید. ضمناً بدانید همه این آرمانها قابل دسترسی است؛ به شرط این که شما در میدان باشید که الحمدلله هستید. امیدوارم خداوند همه تان را حفظ کند.

نکاتی هم که دوستان در زمینه اعتماد، مشارکت و ... گفتند، نکات خوبی است. امیدواریم که دوستان دفتر ما این نکات را جمع آوری کنند تا مورد استفاده قرار گیرد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته